

ایران ورزشی

نیمکت‌های بی‌ایده

به سرعت غافلگیر می‌شوند. این ضعف فنی در رده‌های مختلف به وضوح دیده می‌شود. تیم امید ایران مقابل کره شمالی نت به شکست می‌دهد، تیم ملی بزرگسالان از ازبکستان شکست می‌خورد و در رقابت‌های آسیایی، دیگر حتی مقابل تیم‌های درجه دو قاره هم تضمینی برای پیروزی وجود ندارد.

این چرخه معیوب را می‌توان در بازی‌های تیم‌های ملی و باشگاهی ایران دید. مربیانی که روی نیمکت می‌نشینند، اغلب فاقد خلاقیت تاکتیکی، توانایی تحلیل حریف و تطبیق با شرایط مسابقه هستند. تیم‌ها با یک سبک ثابت و قابل پیش‌بینی بازی می‌کنند و در مواجهه با حریفان سازمان‌یافته،

دوره‌های پرولایسنس در ایران گاهی در بازه‌های زمانی کوتاه و با حداقل الزامات برگزار می‌شود. نه خبری از کارآموزی مستمر است، نه نظارت دقیق بر کیفیت آموزش و نه آزمون‌های سختگیرانه. مدرک داده می‌شود و مربی راهی نیمکت می‌شود؛ بدون آنکه دانش و مهارت لازم را کسب کرده باشد. نتیجه

- صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
- مجری: مؤسسه فرهنگی و مطبوعاتی ایران
- رئیس هیأت مدیره: صادق حسین جباری انصاری
- مدیرعامل و مدیر مسئول: علی متقیان
- سردبیر ارشد مؤسسه: هادی خسرو شاهین
- سردبیر ایران ورزشی: علی جواد
- تلفن: ۰۲۱ ۸۸۵۰۴۱۳۳ • فکس: ۰۲۱ ۸۴۷۱۱۷۳
- چاپ: چاپخانه مؤسسه جام جم
- سامان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ • ۰۲۱ ۸۸۵۰۴۱۳۰ • ۰۲۱ ۸۸۷۴۸۵۰
- امور ترکیب: ۰۲۱ ۸۸۷۴۸۵۴ • ۰۲۱ ۸۸۷۴۸۵۴
- نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
- صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵

وقتی مدرک مربیگری از دانش فنی جلومی‌زند

پرولایسنس یا مجوز اداری؟



شبیه دریافت یک مجوز اداری است. مربی وارد دوره می‌شود، چند کلاس را پشت‌سر می‌گذارد، در آزمون‌ها شرکت می‌کند و در نهایت با مدرکی بیرون می‌آید که قرار است نشانه صلاحیت حرفه‌ای او باشد اما سؤال اصلی اینجاست که آیا این مدرک واقعاً نشان می‌دهد که مربی توانایی طراحی تمرین، تحلیل مسابقه، مدیریت رختکن، توسعه بازیکن و ساختن یک تیم رقابتی را دارد؟ پرولایسنس، در تعریف حرفه‌ای خود، نباید صرفاً نشانه عبور از چند کلاس و آزمون باشد. مربی‌ای که چنین مدرکی می‌گیرد، باید بتواند به پرسش‌های بنیادین درباره تئیمش پاسخ دهد که هنگام مالکیت توپ به دنبال چه الگویی است؟ پس از از دست دادن توپ چگونه واکنش نشان می‌دهد؟ تیم از کدام مناطق زمین حمله می‌کند؟ در چه شرایطی پرس می‌کند و چگونه از پرس حریف خارج می‌شود؟

این پرسش‌ها فقط نظری نیستند. مربی باید بتواند ایده‌هایش را به تمرین تبدیل کند. نتیجه تمرین را در مسابقه بسنجد و در صورت نیاز، مسیر کار را تغییر دهد. تحلیل ویدیویی، شناخت ویژگی‌های بازیکنان، آمادگی جسمانی، مدیریت رختکن، ارتباط مؤثر و تصمیم‌گیری در جریان مسابقه نیز بخشی از همان مسئولیت حرفه‌ای است.

در چنین چهارچوبی، دریافت مدرک به‌خودی‌خود تضمین نمی‌کند که فرد مربی موفق خواهد شد؛ همان‌طور که نداشتن سابقه بازی در بالاترین سطح نیز لزوماً مانع موفقیت نیست. تجربه بازی می‌تواند سرمایه‌ای ارزشمند باشد، اما با توانایی طراحی تمرین، انتقال مفهوم، تحلیل مسابقه و رهبری گروه یکسان نیست. مربیگری حرفه‌ای مهارتی چندوجهی است که باید آموخته، تمرین و ارزیابی شود.

مشکل زمانی آغاز می‌شود که مدرک به هدف اصلی تبدیل شود و یادگیری در حاشیه قرار گیرد. اگر شرکت‌کننده بیش از آنکه برای آموختن و

سنجیده‌شدن وارد دوره شود، در پی دریافت گواهینامه باشد و اگر برگزارکننده نیز موفقیت را با شمار افراد پذیرفته‌شده بسنجد، نه با کیفیت ارزیابی و آموزش، نتیجه می‌تواند مدرکی باشد که ظاهر حرفه‌ای دارد اما درباره توانایی واقعی دارنده‌اش اطلاعات کافی نمی‌دهد.

فاصله میان یادگیری نظری و کار واقعی روی نیمکت، یکی از مهم‌ترین آزمون‌های هر نظام تربیت مربی است. آشنایی با اصطلاحات فنی یا توانایی پاسخگویی به پرسش‌های کلاسی، الزامه‌ای معنای توانایی مدیریت یک تیم در شرایط پرفشار نیست. مربی باید بتواند در محیط واقعی تمرین کند، تصمیم بگیرد، اشتباه کند، بازخورد بگیرد و عملکرد خود را اصلاح کند.

کارآموز در باشگاه‌ها و تیم‌های حرفه‌ای، مشاهده تمرین‌ها و مسابقات، تحلیل و ارائه گزارش، دریافت بازخورد از مربیان باتجربه و ارزیابی مستمر می‌تواند این فاصله را کاهش دهد. اگر دوره‌ای فاقد این اجزا باشد، با حضور عملی در آن به‌شکلی محدود و صوری انجام شود، بخش مهمی از آموزش حرفه‌ای حذف خواهد شد.

در این میان، طول دوره به‌تنهایی معیار کیفیت نیست. کوتاه یا بلند بودن یک دوره، بدون اطلاع از محتوای آموزشی، شیوه تدریس و استاندارد ارزیابی، برای قضاوت کافی نخواهد بود. آنچه اهمیت دارد، مفاهیمت درباره الزامات است.

شرکت‌کننده چه‌میزان آموزش می‌بپردازد؟ کار عملی او چگونه ارزیابی می‌شود؟ چه کسانی صلاحیت تدریس و داوری دارند؟ و آیا امکان مردودشدن واقعی وجود دارد؟

پاسخ روشن به این پرسش‌ها می‌تواند از یک سواز اعتبار مدرک حفاظت کند و از سوی دیگر، ادعاهای کلی درباره آسان بودن یا دشواری بودن دوره را به‌جای قابل سنجش تبدیل کند. هرچه معیارها مبهم‌تر باشد، تردیدها بیشتری‌تر می‌شود و فرهنگ ارزیابی شفاف‌تر باشد، امکان اعتماد عمومی افزایش می‌یابد.

مربیگری، فراتر از تجربه بازی

در فوتبال، تجربه بازی می‌تواند به مربی در درک فشار مسابقه، ارتباط با بازیکنان و شناخت فضای رختکن کمک کند. اما این تجربه به‌تنهایی روش تمرین‌دادن یا تحلیل تاکتیکی را آموزش نمی‌دهد. همان‌گونه که یک بازیکن بزرگ الزاماً مربی بزرگی نمی‌شود، سابقه بازی محدود نیز مانعی قطعی برای تبدیل‌شدن به مربی موفق نیست. مربی باید بتواند دانش فنی را به زبان قابل‌فهم برای بازیکن منتقل کند و تمرینی‌ساز که هدف مشخصی داشته باشد. او باید با نیازهای جسمانی و روانی بازیکنان آشنا باشد، شرایط تیم را مدیریت کند و در کنار برنامه‌ریزی، قدرت سازگاری با واقعیت‌های مسابقه را داشته باشد. گاهی تصمیم درباره زمان تفریح، تغییر شکل تیم یا آرام‌کردن فضای رختکن به اندازه انتخاب ترکیب اولیه اهمیت دارد.

این مجموعه مهارت‌ها نشان می‌دهد که مربیگری را نمی‌توان فقط با شهرت، سابقه حضور در لیگ یا آشنایی با چهره‌های فوتبالی سنجید. مدرک آموزشی نیز زمانی ارزشمندند که بر توانایی‌های بالابتی‌کنند؛ نه آنکه صرفاً شرطی اداری برای حضور در یک جایگاه باشد.

مسأله سرمربی تیم ملی نیست

بحث کیفیت مربیگری معمولاً زمانی برجسته می‌شود که تیم ملی برای انتخاب سرمربی با گزینه‌های محدود روبه‌رو است و بزرگ انتقاد برانگیز می‌شود اما پیوند میان کیفیت دوره‌های مربیگری و نتایج فوتبال، مستقیم و فوری نیست. انتخاب سرمربی به عوامل متعددی مانند تجربه، توانایی ارتباطی، شناخت بازیکنان، شرایط مدیریتی و امکانات در دسترس وابسته است. هیچ مدرکی به‌تنهایی تضمین‌کننده موفقیت نیست و نبود گزینه مناسب را نمی‌توان فقط به یک دوره آموزشی نسبت داد. باین حال، نظام تربیت مربی بخشی مهم از زیربنای است که در نهایت به کیفیت کار فنی در تیم‌های باشگاهی و ملی می‌رسد. اگر تعداد مربیان آموزش دیده و ارزیابی شده افزایش یابد، اما کیفیت این آموزش محل تردید باشد، فوتبال ممکن است با فراوانی عنوان‌ها و کمیود شایستگی روبه‌رو شود. در آن صورت، انتخاب‌های مربی می‌دهد. استاز در باشگاه‌ها، فاصله بین تئوری و عمل را بر می‌کند. و مهم‌تر از همه، کارورچیانو یک «مکتب» است، نه یک «مدرک فروشی». مربیان اینجا یاد می‌گیرند که چطور فکر کنند، نه فقط چطور بازی کنند.

مقایسه این مدل با سیستم‌هایی که در آن مدرک پرولایسنس در چند هفته و بدون نظارت جدی صادر می‌شود، تفاوت را روشن می‌کند. خروجی کارورچیانو مربیانی نیستند که فقط «مدرک» دارند؛ مربیانی هستند که سال‌ها زیر نظر بهترین‌ها نفس کشیده‌اند و حالا خودش‌ان می‌توانند به نیمکت‌های بزرگ بروند. فوتبال ایران اگر می‌خواهد از فقر فنی و تاکتیکی‌ها شاد، شاید باید به جای «مدرک دادن»، به فکر ساختن «مکتب» باشد.

از سقوط مجیدی تا نجات منصوریان

در سال‌های اخیر، حضور مربیان ایرانی در لیگ‌های سطح بالای منطقه به آرزوی سخت برای سنجش توان فنی آنها تبدیل شده است. برخلاف تصور رایج که هدایت تیم‌های عربی را فرصتی برای درخشش می‌داند، کارنامه این مربیان در لیگ‌های امارات و عراق نشان می‌دهد که «برند» مربیگری ایرانی در خارج از مرزها با چالش‌های جدی روبه‌رو است. فرهاد مجیدی، سرمربی پیشین استقلال که با قهرمانی

درخشان: هنوز با تاکتیک‌های دهه ۷۰ و ۸۰ کار می‌کنیم

فوتبال مدرن نیاز به فلسفه دارد

حامید درخشان معتقد است مشکلات فنی فوتبال ایران را نمی‌توان تنها به یک مسابقه، یک اردو یا کمیود زمان حضور تیم ملی نسبت داد و ریشه این وضعیت را باید در ساختار آموزش مربیان و نوع نگاه به فوتبال جست‌وجو کرد. او می‌گوید فوتبال ایران با وجود برخورداری از استعداد و ظرفیت انسانی، از نظر دانش فنی و تاکتیکی فاصله قابل توجهی با فوتبال روز دنیا دارد. درخشان درباره توانایی تیم ملی برای مقابله با حریفان قدرتمند می‌گوید: «اصلاً نباید تصور کنیم همه چیز اتفاقی است. وقتی بازی تیم‌های سطح اول را می‌بینی، تفاوت در کیفیت و برنامه‌ریزی کاملاً مشخص است. ما پتانسیل داریم، اما باید بپذیریم که از نظر سواد فنی در ضعف جدی هستیم. فوتبال ایران گرفتار فقر تاکتیکی شده و نمی‌توانیم به اندازه ظرفیت بازیکنان مان از آنها بازی بگیریم.»

این پیشکسوت فوتبال ایران بخش دیگری از مشکلات را متوجه فرآیند آموزش و صدور مدارک مربیگری می‌داند. او با انتقاد از برگزاری دوره‌های مربیگری می‌گوید: «اخیراً دوره‌های پرولایسنس برگزار کرده‌ام، اما تغییر در فوتبال با سطح مربیان لیگ برتر نمی‌بینیم. هنوز همان تاکتیک‌هایی که سال‌ها قبل استفاده می‌شد، تکرار می‌شود. سؤال اینجاست که چرا؟»

درخشان ادامه می‌دهد: «اگر قرار است مدرک مربیگری اعتبار واقعی داشته باشد، باید برای دریافت آن سختگیری شود. وقتی عبور از این مراحل برای افراد مختلف بیش از اندازه آسان باشد، طبیعی است که تفاوتی میان مربی‌ای که دانش و تجربه لازم را دارد و فردی که این شایستگی‌ها را ندارد، نباشد. نتیجه چنین رویکردی می‌تواند ورود مربیانی به سطح حرفه‌ای باشد که هنوز آمادگی لازم برای مدیریت تیم

درخشان ادامه می‌دهد: «اگر قرار است مدرک مربیگری اعتبار واقعی داشته باشد، باید برای دریافت آن سختگیری شود. وقتی عبور از این مراحل برای افراد مختلف بیش از اندازه آسان باشد، طبیعی است که تفاوتی میان مربی‌ای که دانش و تجربه لازم را دارد و فردی که این شایستگی‌ها را ندارد، نباشد. نتیجه چنین رویکردی می‌تواند ورود مربیانی به سطح حرفه‌ای باشد که هنوز آمادگی لازم برای مدیریت تیم

درخشان ادامه می‌دهد: «اگر قرار است مدرک مربیگری اعتبار واقعی داشته باشد، باید برای دریافت آن سختگیری شود. وقتی عبور از این مراحل برای افراد مختلف بیش از اندازه آسان باشد، طبیعی است که تفاوتی میان مربی‌ای که دانش و تجربه لازم را دارد و فردی که این شایستگی‌ها را ندارد، نباشد. نتیجه چنین رویکردی می‌تواند ورود مربیانی به سطح حرفه‌ای باشد که هنوز آمادگی لازم برای مدیریت تیم

کارورچیانو، خانه فوتبال ایتالیایی

کارخانه‌ای که مربی نمی‌سازد، «مکتب» می‌سازد



دوره پرولایسنس در کارورچیانو یک سال کامل طول می‌کشد؛ از سپتامبر تا ژوئن. این دوره شامل حدود ۱۴۴ ساعت آموزش تئوری و عملی است که ۱۲۰ ساعت آن به صورت حضوری در کلاس‌ها و زمین‌های کارورچیانو برگزار می‌شود. اما نکته کلیدی، فراتر از ساعت‌های کلاسی است: کارآموزی در باشگاه‌های بزرگ.

شرکت‌کنندگان در طول دوره، استاز‌های متعددی در باشگاه‌های مطرح ایتالیا و خارج از آن می‌گذرانند. در دوره اخیر، این استازها شامل گومو، میلان، کالیاری، جنوا و حتی راسینگ سانتاندر اسپانیا بوده است. مربیان جوان در این استازها نه فقط تماشاگر، بلکه بخشی از کار فنی موقت می‌شوند و از نزدیک با روش‌های کاری مربیان بزرگ آشنایی پیدا می‌کنند.

فهرست فارغ‌التحصیلان کارورچیانو، فهرست افتخارات فوتبال ایتالیا و حتی جهان است. جوانانی نر اپاتلونی، فابو کاپلو، آریگو ساکی، کارلو آچولونی، مارچلو لیبی، آنتونیو کونته و ماسیمیلیانو آلگری، همگی از کلاس‌های کارورچیانو بیرون

جلالی: به جای هزینه دلاری

برای مربی خارجی برای ساخت

مربی ایرانی سرمایه‌گذاری کنیم

مجید جلالی با تأکید بر ضرورت تغییر نگاه فوتبال ایران به مقوله مربیگری، معتقد است اگر هدف، ساختن آینده فوتبال کشور است، باید سرمایه‌گذاری و صبر را به عنوان دو پیش‌شرط اصلی در نظر گرفت. او می‌گوید انکای طولانی مدت به مربیان خارجی، بدون توجه جدی به پرورش مربیان داخلی، نمی‌تواند برای فوتبال ایران ذخیره‌ای پایدار ایجاد کند.

جلالی در این باره اظهار داشت: «باید یاد بگیریم که برای رسیدن به هدف، سرمایه‌گذاری و صبر پیش‌شرط اصلی است. در طول ۲۰ سال گذشته، مبالغ هنگفتی، حدود ۳۰۰ میلیون دلار، صرف آوردن مربیان خارجی شده اما در مقابل حتی یک دلار هم برای تربیت مربی در داخل کشور هزینه نشده است. اگر بخشی از این منابع را صرف پرورش استعداد‌های جوان داخلی می‌کردیم، می‌توانستیم طی ۴ یا ۵ سال مربیانی داشته باشیم که دانش و تجربه لازم را به دست آورده‌اند.»

وی ادامه داد: «مربی ساخته‌شده یک‌شبه به وجود نمی‌آید. اگر قرار است مربی ایرانی در سطح بالا پرورش پیدا کند، باید برای او برنامه داشته باشیم، آموزش ببیند، تجربه کسب کند و در مسیر مشخصی قرار بگیرد. این همان سرمایه‌گذاری است که در فوتبال ما کمتر دیده شده است.»

جلالی با انتقاد از نگاه کوتاه‌مدت در فوتبال ایران خاطرنشان کرد: «مدل بازی تیم‌های ما که امروز شاهد آن هستیم شاید در کوتاه‌مدت نتیجه یا هیجان ایجاد کند، اما اگر پشت آن یک ساختار و برنامه نباشد، برای آینده ذخیره‌ای باقی نمی‌گذارد. ما باید به دنبال سیستمی باشیم که مربی درون آن ساخته شود، نه اینکه صرفاً برای حل مشکلات مقطعی به دنبال یک نام جدید باشیم.»

این مربی و کارشناس فوتبال تأکید کرد حمایت از مربی ایرانی نباید صرفاً به یک شعار تبدیل شود: «وقتی از حمایت از مربی ایرانی صحبت می‌کنم، منظورم کلیشه‌گویی نیست. در میان بازیکنان جوان، استعداد‌هایی وجود دارند که می‌توانند در آینده مربیان بزرگی شوند و معتقدم اگر روی استعداد‌ها سرمایه‌گذاری شود، می‌توانند مسیر متفاوتی را طی کنند.»

جلالی در پایان گفت: «اگر واقعاً می‌خواهیم فوتبال ایران در آینده مربیان توانمند و صاحب‌حسب داشته باشد، باید

به جای اتکا صرف به نام‌های خارجی، یک فرآیند ۴ یا ۵ ساله برای شناسایی و پرورش استعداد‌های مربیگری ایجاد کنیم. مهم‌تر از همه اینکه باید در این مسیر صبور باشیم؛ مانند ساختن مربی، ساختن بازیکن، نیازمند زمان، تجربه و سرمایه‌گذاری مستمر است.»

کارخانه مربی‌سازی آلمان از نگاه وحید هاشمیان

دوره‌ای که ۱۵ ماه طول می‌کشد

وقتی سال‌ها در فوتبال آلمان بازی می‌کنید، فقط فوتبال بازی نمی‌کنید؛ در کنار تجربه حضور در زمین، با یک سیستم حرفه‌ای و ساختارمند نیز زندگی می‌کنید. برای من، ۱۱ سال حضور در فوتبال آلمان بخش مهمی از مسیری بود که بعداً در مربیگری طی کردم. این تجربه به من یاد داد که مربیگری فقط گرفتن مدرک نیست، بلکه نتیجه سال‌ها آموزش، تجربه و شناخت سیستم است.

من از سال ۲۰۰۸ و در مسیر دوره‌های مربیگری شدم و در سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۲، مدرک A اروپا را گرفتم. سپس در سال ۲۰۱۵ وارد دوره پرولایسنس شدم؛ دوره‌ای که از سخت‌ترین مراحل آموزش مربیگری است. یکی از نکات جالب آن دوره، حضور مربیانی بود که بعدها هر کدام در فوتبال آلمان به جایگاه‌های مهمی رسیدند. مربیانی مثل تورستن فینک، مارکوز زه و دیگر چهره‌هایی که آن زمان هم‌دوره من بودند، در همان کلاس‌ها کنار هم قرار داشتیم و مسیر مشابهی را طی می‌کردیم.

ساختار، انتخاب نیز بسیار متفاوت است. مقایسه‌ای پس از احرار شرایط، مدارک خود را در فدراسیون فوتبال آلمان ارسال می‌کردیم. در مرحله انتخاب، حدود ۶۲ نفر برای آزمون دعوت می‌شوند و در نهایت تنها ۲۴ نفر به عنوان

نفرات منتخب وارد دوره می‌شوند. دوره نیز بسته به ساختار آن، حدود ۱۱ تا ۱۵ ماه طول می‌کشد.

در واقع، فیلتر اصلی پیش از شروع دوره انجام می‌شود. افرادی که وارد مرحله نهایی می‌شوند، از قبل از نظر تجربه، دانش و توانایی ارزیابی شده‌اند.

به همین دلیل، در این سیستم معمولاً مسأله اصلی این نیست که افراد در میانه دوره حذف شوند. فیلتر اصلی پیش از شروع دوره اتفاق می‌افتد. کسانی که وارد مرحله نهایی می‌شوند، از قبل مراحل مختلفی را پشت سر گذاشته‌اند و از نظر تجربه، دانش و توانایی، انتخاب شده‌اند.

لیگ‌های منطقه با چالش‌های تاکتیکی و مدیریتی متفاوتی روبه‌رو شوند. کارنامه مربیان ایرانی در لیگ‌های سطح بالای منطقه، تصویری متناقض ارائه می‌دهد. فرهاد مجیدی با سقوط و اخراج از امارات بازگشت و جیجی گل محمدی در آستانه اخراج از دھوک عراق قرار دارد. این تفاوت‌ها نشان می‌دهد که موفقیت در لیگ‌های خارجی نه تنها به توانایی فنی مربی، بلکه به عوامل مدیریتی، تطبیق پذیری تاکتیکی و شرایط باشگاهی بستگی دارد. عبار مربیان ایرانی در لیگ‌های سطح بالا، بیش از هر چیز، نیازمند بازنگری در مبانی فنی و مدیریتی فوتبال ایران است تا بتوانند در رقابت‌های منطقه‌ای حضوری پایدار و موفق داشته باشند.

سپری می‌کند. تیم دھوک پس از هشت بازی، شش تساوی، یک شکست و تنها یک پیروزی کسب کرده و با ۹ امتیاز در جایگاه نهم جدول ۲۰ تیمی لیگ ستارگان عراق قرار گرفته است. این نتایج نامطلوب باعث شده هواداران و مدیران باشگاه‌ها وضعیت تیم نارضی باشند و احتمال فسخ قرارداد با آنها وجود داشته باشد. گل محمدی که سابقه درخشش با پرسپولیس را در کارنامه دارد، در لیگ عراق نتوانسته انتظارات را برآورده کند. تیم او در هشت هفته ابتدایی لیگ نتایج خوبی نگرفته و فقط یک برد کسب کرده است. این وضعیت نشان می‌دهد که حتی مربیانی با کارنامه موفق در لیگ ایران نیز ممکن است در

بدون باخت در لیگ برتر ایران به عنوان مربی‌ای موفق شناخته می‌شود. در لیگ امارات مسیر متفاوتی را تجربه کرد. او در تیم البطاح امارات حضور داشت و در مقطعی به عنوان دومین مربی با ثبات لیگ امارات معرفی شد. طبق گزارش‌ها، مجیدی حدود یک سال و چهار ماه روی نیمکت البطاح حضور داشت و در رتبه دوم با ثبات‌ترین مربیان لیگ امارات قرار گرفت. با این حال، این ثبات به نتیجه مطلوب منتهی نشد و در نهایت تیم البطاح به دسته پایین‌تر سقوط کرد. جیجی گل محمدی، یکی از موفق‌ترین مربیان سال‌های اخیر فوتبال ایران، در لیگ عراق با تیم دھوک روزه‌های سختی را

